

از برنامه شماره ۹۶۳ گنج حضور

من جز احدِ صمد نخواهم

من جز ملکِ ابد نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

من دیگر جز بیدار شدن به ذات یکتای بی‌نهایت و ابدی و بی‌نیاز هستی چیز دیگری نمی‌خواهم.

من دیگر جز تبدیل شدن به مجرای برای تجلی صفات ایزدی، چیز دیگری نمی‌خواهم.

من جز بی‌نیاز شدن از هرچه که ذهن مهم و جدی و نیازمندی نشان می‌دهد، چیز دیگری نمی‌خواهم.

من جز آگاه شدن از ابدی بودن این لحظه و آمدن و ساکن شدن در این لحظه، چیز دیگری نمی‌خواهم.

من دیگر جز بی‌نهایت ریشه‌دار شدن، بی‌نهایت عمق داشتن، بی‌نهایت فضا بودن به‌طوری‌که هیچ‌چیزی نتواند مرا از این لحظه جدا کند و نتواند در وجود من

آشوب برپا کند، چیز دیگری نمی‌خواهم.

جز رحمتِ او نبایدم نُقل

جز باده که او دهد نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

من به‌جز صنُع او چیز دیگری را نمی‌خواهم.

من به‌جز وصل بودن به سرچشمهٔ زندگی این لحظه را نمی‌خواهم.

من جز گرفتن شادی و آرامش و امنیت و قدرت و هدایت و عقل از مرکز عدم از جای دیگری هیچ‌چیزی نمی‌خواهم.

من آن خوشی‌هایی که ذهن نشان می‌دهد که از چیزها می‌آید را نمی‌خواهم.

اندیشه عیش بی‌حضورش

ترسم که بدو رسد، نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

من دیگر نمی‌خواهم با سبب‌سازی و با پریدن از فکرهای همانیده به همدیگر طرح رسیدن به خوشبختی بکشم.

من دیگر نمی‌خواهم رسیدن به یک همانیدگی و شهوترانی با آن را حتی تصور هم بکنم. زیرا تجربه کرده‌ام حتی ذره‌ای رفتن به توهم سببها آثار مخربی

به بار می‌آورد.

بی‌او ز برای عشرت من

خورشید سبو کشد نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

اگر او در مرکز من نباشد من از هیچ‌چیزی در بیرون شراب خوشحال‌کننده، و هستی و هویت‌دهنده نخواهم گرفت. ولو این‌که ذهن چیزی را خیلی مهم و

ضروری و جانبخش و شیرین جلوه بدهد آن را نمی‌خواهم.

من مایه باده‌ام چو انگور

جز ضربت و جز لگد نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

من زندگی زنده‌ام را تزریق کرده‌ام در دانه‌های همانیدگی‌ها و گدای آن‌ها شده‌ام. الان دیگر به‌جز پذیرش بی‌مرادی‌هایی که برای متلاشی کردن دانه‌های

همانیدگی‌ام می‌آیند چیز دیگری نمی‌خواهم. من می‌خواهم با رضایت با قضای زندگی همراهی کنم تا شراب مست و هشیار کننده‌ی زندگی‌ام را دوباره از

همانیدگی‌ها پس بگیرم.

از لذت زخم‌هاش جانم

یک ساعت اگر رهد نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

من دیگر حتی یک لحظه از زیر زخم‌های بی‌مرادی به جهت‌های فکری فرار نخواهم کرد. من دیگر برای جبران جای پوسیدگی کشت‌های ثانی یا برای انکار صورت مسأله دردمند بودن به هیروت وضعیت‌های بیرونی پناه نخواهم برد.

بلکه دیگر در بی‌مرادی‌ها به دنبال شناسایی دانه‌هایی هستم که مرا از یکتا بودن درآورده‌اند، دنبال شناسایی این هستم که چه نیازی به من تلقین شده که مرا به دنبال ارضای آن از مستقر بودن در این لحظه به زمان مجازی یا هیروت خیالبافی‌ها می‌برد؟

وقت است که جان شویم خالص

کاین زحمت کالبد نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

وقت است دیگر من زحمت و درد من‌ذهنی‌ام را نخواهم، هشیاری به‌تله افتاده در آن‌ها را واهمانیده کرده و پس بگیرم، در نتیجه جان خالص بشوم. کشیدن بار سنگین قصه‌های گذشته و زحمت به ثمر رساندن ناکامی‌ها در آینده، دیگر بس است. وقت آن رسیده که من حقیقت خودم را هوش کل و جان حیات آفریننده و پروردگار یکتا و بی‌نیاز و بی‌نهایت و ابدی شناسایی کنم. تحمل این کالبد تن و روان به عنوان من‌ذهنی بودن دیگر بس است.

احمد گوید برای روپوش

از احمد جز احد نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

هر اسم یا لقب یک روپوش است، من کلمه را که از جنس ذهن است نمی‌گیرم، من مُسمائش را می‌گیرم که اصل است.

احمد یا شخص به حضور رسیده، یک اسم است؛ مُسمائش بی‌نهایت و ابدیت خداوند یکتای بی‌نیاز است.

بنابراین من دیگر از سودای شخص به‌حضور رسیده بودن در گذشته‌ام. من از به حضور رسیدن، حاضر بودن در این لحظه‌ی ابدی با بی‌نهایت فضای گشوده و بی‌نیاز بودن از هرچه ذهن نشان می‌دهد و دیدن این یک زندگی در همه را می‌خواهم.

مشغول بودن به هوش‌پوش بدن و شخصیت و اسم و صفت و موصوف دیگر بس است.

مجموع همه است شمس تبریز

حق است که من عدد نخواهم

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۵۷۸

هرچه در این عالم هست، همه اجزای یک زندگی یکتا است و هیچ‌کدام از هم جدا نیست. و این نور حتی اگر اتاق‌های جدا از هم را روشن کرده باز هم

قابل تفکیک از هم و یا قابل تقسیم‌بندی به هیچ دسته و گروهی نیست و اصل نور یکی است و این دیوارها ذهنی و قراردادی و توهمی است.

من این دید حقیقت‌بین را می‌خواهم که از توهم کم و زیاد و خوب و بد و بالا و پایین دیدن زندگی بیرون شده و همه‌چیز و همه‌کس و هر وضعیت را زندگی یکتا می‌بیند. صلاح فردی و جمعی ما این است که دیگر این توهم جدایی و نیازمندی و زمان مجازی را ادامه ندهیم.

الناز از آلمان